

جنون خدايان

امير خداوردی



داستان فارسی



از زمانی که چیزی ناشناخته پس پشت غبغب آقای بو جا خوش کرده و نمی‌گذارد هوا توی هیچ‌یک از دو ساختار کیسه‌مانندی که در قفسه سینه بو و هر جانور مهره‌دار دیگری وجود دارد نفوذ کند، درک او از ترکیب‌های اضافی کلمات تقریباً محو شده. انگار هوا خودش را تا نای می‌رساند و تنها می‌تواند به اندازه زنده ماندن نشت کند توی ریه‌ها. این است که کسیرن کافی به مغز نمی‌رسد و لوب پیشانی مختل می‌شود.

«کره بادوم‌زمینی دارین؟... کره بادوم‌زمینی؟»

صدا همراه تصویر زنی است ابروتیز و نازک، موفرفری و میش که صورتی تپل دارد. رنگ پیراهن سفری‌اش خط گردنش را زیادی نمایان کرده. آقای بو می‌شنود اما درک نمی‌کند: «کره؟.. بادوم‌زمینی؟» رو به آیدین می‌پرسد: «چی می‌خواد خانوم؟»

آیدین موفرفری را به قفسه‌های سمت چپ مغازه حواله می‌دهد.

«ون‌جا رو دیدم، ندارین.»

آیدین می‌گوید: «پس نداریم.»

آقای بو به هر ترتیبی شده تلاش می‌کند از مکالمه آیدین و خانم مشتری

سر در بیاورد. فقط می‌فهمد که چیزی را نداریم و آیدین به راحتی گفته است «نداریم». تند و ترش می‌شود: «یعنی چی نداریم؟ به مشتری نگو نداریم.» نفسش بند می‌آید. دم عمیقی می‌کشد اما ریه‌ها پر نمی‌شود.

آیدین که نگاهش را به تلویزیون بالای قفسه‌ها دوخته بود با زحمت خود را از چهارپایه جدا می‌کند. موفر فری اما رفته است. آیدین چرخشی توی مغازه می‌زند و برمی‌گردد. آقای بو هیچ از این وضع راضی نیست. تلفن را برمی‌دارد تا زنگ بزند مرکز پخش مواد غذایی و چیزی را که ندارند سفارش دهد. مگسی که لای موهای کم‌پشتش گیر کرده از جایش می‌پرد و دوباره فرود می‌آید. آقای بو جست‌وخیز مگس را حس می‌کند و طبق معمول کاری به کارش ندارد. شماره می‌گیرد.

«چیز می‌خواستم.»

صدای پشت گوشی بی‌حوصله و طلبکارانه است: «چی آقا؟»

آقای بو به آیدینی نگاه می‌کند که دوباره به تماشای تلویزیون نشسته

است. می‌پرسد: «چی نداریم؟»

«از من می‌پرسی آقا؟»

«نه با شما نیستم. صبر کن... آهای... آیدین... چی نداریم؟»

«کره بادوم‌زمینی.»

آقای بو تکرار می‌کند: «کره، بادام، زمینی.»

«کره و بادوم‌زمینی؟»

آقای بو می‌داند که یک چیز ندارند نه دو چیز. بنابراین گوشی را به سمت آیدین می‌گیرد. آیدین می‌گوید: «کره بادوم‌زمینی»، و آقای بو گوشی را به گوش می‌چسباند.

پشت گوشی می‌پرسد: «چقدر بفرستم آقا؟»

آقای بو جواب می‌دهد: «بفرستین.» نمی‌داند دقیقاً چه چیزی را